

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۱۲۰۵۴۶۷۰۸۸۹۰۳۵۴۸ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

# شترت

شنبه ۲۹ دی ۱۴۰۳ • ۱۷ رجب ۱۴۴۶ • ۱۸ ژانویه ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۲۸ • ۱۲ صفحه • اذان ظهرتهران ۱۲:۱۵ • اذان مغرب ۱۷:۲۷ • اذان صبح فردا ۵:۴۴ • طلوع آفتاب ۷:۱۲

#### یاد

### چند نکته درباره یک مرگ ضرورت یک بزرگداشت



**گیسو فقفوری**؛ چهارشنبه‌شب بود که خبر آمد؛ خبر رفتن «ابراهیم نبوی»، خبر «خودکشی» یا همان‌طور که باید بنویسیم «مرگ خودخواسته». او در حالی که دنیا رفت که در حسرت بازگشت به ایران بود. در این روزها بسیاری از او نوشتند. همان‌هایی که او را با ستون‌های طنزش در روزنامه‌های بهار مطبوعات می‌شناختند. آنان از این گفتند که با نوشته‌های «ابراهیم نبوی» به خواندن روزنامه و نوشتن علاقه‌مند شدند. همان روزهایی که برخی روزنامه‌ها به چاپ دوم و چندم می‌رسید، برای روزنامه‌ها صف تشکیل می‌شد و خیلی زود تمام می‌شد. «ابراهیم نبوی» چندین ستون داشت؛ ستون پنجم، ستون چهارم، بی‌ستون، چهلستون، از این ستون به آن ستون و همه خواندنی. سبک جدیدی در گزارش‌نویسی اجتماعی هم به راه انداخت. شاید برای همین انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران خیلی سریع بیانیه داد و درباره او نوشت و از رئیس‌جمهور و وزیر ارشاد درخواست کرد راه را برای کسانی که علاقه دارند به ایران بازگردند، بکشایند و همکارى کنند. همان خواسته‌ای که ابراهیم نبوی در دیدار با مسعود پزشکیان در نیویورک مطرح کرد. شال و کلاه کرد و تا آنجا رفت تا بتواند این خواسته را مطرح کند. اما چه شد که ناامید شد و رفتن این‌گونه را انتخاب کرد؟ حالا ما ماندایم و این سوال‌ها و به قول آذر منصوری «امان از رفتگان بی‌بازگشت».

● با گذشته پرفوغ «ابراهیم نبوی»، با حجم آثاری که از خود در عرصه رسانه و روزنامه‌نگاری به جا گذاشته و با این همه تلاشی که کرده است، آیا برگزاری یک بزرگداشت در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ضروری به نظر نمی‌رسد؟ آیا نباید یک بزرگداشت برای او برگزار شود تا دوستان و همکارانش از خاطرات و تأثیر او بگویند و جوان‌ترها با او آشنا شوند؟

● راستی او در روزی رفت که «شیده لالمی» نیز رفته بود. یکی در وطن، یکی در غربت. حالا روز ۲۵ دی‌ماه در خاطره روزنامه‌نگاری ایران با «خودکشی» پیوند خورده است. پیوندی که نمایانگر نکات بسیاری از «روزنامه‌نگاری» و شرایط آن است.

● مرگ «ابراهیم نبوی» با مرگ «دوید لینچ» کارگردان شناخته‌شده سینما هم‌زمان بود. لینچ بی‌شک یکی از تأثیرگذارترین کارگردانان سینمای جهان است. بسیاری در فراغ او هم نوشتند. اما کسی به مقایسه این دو پرداخته بود. به این‌که «لینچ» هیچ محدودیتی در زندگی‌اش برای ساخت اثر هنری نداشت، نباید مثل ابراهیم نبوی برای گرفتن مجوز کتاب‌هایش ساعت‌ها پشت در نشیند یا برای نوشتن متحمل هزینه‌هایی سخت شود. شاید قیاس مع‌الفارقی باشد اما خب اینها همه درست بود؛ به‌خصوص وقتی آن عکس «ابراهیم نبوی» در میان انبوه روزنامه‌ها را که «بهرز مهری» گرفته، در این چند روز مدام دیده‌ایم. عکسی که نشان می‌داد جای «ابراهیم نبوی» دقیقاً همان‌جا بود در انبوه روزنامه‌ها.

● برخی از سینماگران درباره ابراهیم نبوی نوشتند. برای اینکه یادمان باشد او منتقد خوب فیلم بود و او چه مجری خوبی برای جشن سینمای سال ۸۰ بود. عباس یاری از چگونگی تشکیل انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی با همراهی نبوی، فراستی و فریدون صدیقی نوشت. هوشنگ گلکانی نقبی زد به سال‌هایی که نبوی بولتن جشنواره فیلم فجر را درمی‌آورد. تهمنه میلانی نیز از خاطره بازداشتش و گفت‌وگویی که بعد از آن با نبوی» داشته، یاد کرد.

یادش گرامی باد.

پس از انتشار خبر دردناک مرگ خودخواسته «ابراهیم نبوی»، بسیاری از اهالی فرهنگ، هنر و رسانه ابراز همدردی کردند و خاطراتی را که از این نویسنده طنزپرداز داشتند، بازگو کردند. جمع زیادی نیز جزئیاتی درباره شرایطی که او را وادار به این انتخاب تلخ کرد، مطرح کردند. اهالی هنر و سینما نیز درباره او نوشتند. این میزان واکنش درباره مرگ او نشان می‌دهد که چقدر یادش هنوز در خاطره‌ها زنده است.

«ابراهیم نبوی»، طنزپرداز و نویسنده، در ۲۵ دی ۱۴۰۳ (۱۵ ژانویه ۲۰۲۵) در ۶۴سالگی در سیلورسپرینگ ایالت مریلند آمریکا، به زندگی خود پایان داد. دختران او در بیانیه‌ای اعلام کردند که پدرشان در یک دهه اخیر دچار افسردگی بوده و دوری از وطن برایش بار سنگینی داشت؛ او هرگز نتوانست با اقامت اجباری خود دور از ایران کنار بیاید.

#### ضایعه‌ای بزرگ

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران به مناسبت درگذشت ابراهیم نبوی در غربت بیانیه تسلیتی منتشر کرد. در این بیانیه آمده است: «مرگ دردناک سیدابراهیم نبوی، طنزپرداز بنام ایران، ضایعه بزرگی برای حوزه فرهنگ و ادبیات و عرصه‌های متنوع فرهنگی به‌ویژه مطبوعات محسوب می‌شود.

درگذشت این نویسنده زبردست آن‌هم در دیار غربت، جامعه نویسندگان، روزنامه‌نگاران و دوستداران نوشته‌های او را در شوک فرو برد. متأسفانه ممانعت از بازگشت او به میهن پس از سال‌ها تلاش و رؤیای زندگی در سرزمین مادری، این واقعه را دردناک‌تر و غم‌انگیزتر می‌کند. او از دوران دانشجویی سری پرشور و پر از احساس مسئولیت در برابر انقلاب و کشور داشت و استعداد نویسندگی و طنزپردازی خود را نشان می‌داد، اما از اوایل دهه ۷۰ بود که به‌طور جدی وارد عرصه روزنامه‌نگاری شد و آن را به‌عنوان یک حرفه تمام‌وقت انتخاب کرد.

با انتخابات دوم خرداد و ۷۶ و گشایش فضای فعالیت‌های فرهنگی و رونق بازار رسانه‌های مکتوب، ابراهیم نبوی زمینه مساعدتری برای بروز فعالیت‌های خود فراهم دید و در سلسله روزنامه‌های جدیدالانتشار، با ستون‌های طنز خود، به چهره شاخص، مبتکر و تأثیرگذار طنزنویسی ایران بدل شد. او با شکارگیری شیوه‌های خلاق و تنوع کم‌ظنیر در قالب‌ها که با شجاعت و جسارت‌های سیاسی‌اش درآمیخته بود، توانست طنزهای روزآمد، جذاب و کارآمدی را به مخاطبان خود عرضه کند. خروج ابراهیم نبوی از ایران در سال ۸۲ که در پی تحمل زندان و فشارها و ممنوعیت فعالیت انجام شد، بر روح و روانش تأثیر منفی و شکننده‌ای بر جای گذاشت. متأسفانه دورافتادگی او از وطن بر فشارهای روانی‌اش افزود و او را در بن‌بست و سرگشتگی



جزیره هرمز، با ویژگی‌های طبیعی و تاریخی بی‌نظیر خود مانند سواحل رنگی و کوه‌های نمکی، در سال‌های اخیر توجه بسیاری از گردشگران داخلی و خارجی را به خود جلب کرده است. این جزیره که در قلب خلیج فارس واقع شده، به‌عنوان یکی از مقاصد گردشگری طبیعی ایران، طرفت‌های زیادی برای توسعه پایدار دارد. نگار، عکس، خبرگزاری دانشجو

# خودکشی ابراهیم نبوی در غربت

### درخواست انجمن صنفی از رئیس‌جمهور برای تسهیل بازگشت به وطن

عمیقی فرو برد. در نهایت ابراهیم نبوی سرنوشت تلخی را برای خود رقم زد؛ سرنوشتی که به‌تنهایی در تحقق آن مؤثر و مقصر نبود.»

#### درخواست بازگشت‌فرهیختگان

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران در بخش پایانی بیانیه خود از رئیس‌جمهور و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تقاضا کرده است: «هرچه زودتر موضوع بازگشت فرهیختگان این مرزوبوم به کشور که طبق اطلاعات واصله در سال‌های اخیر اشتیاق بیشتری در میان شخصیت‌ها و سرمایه‌های ملی برای بازگشت به میهن شنیده و دیده می‌شود، در دستور کار خود قرار دهند. بازتاب بسیار گسترده مرگ دردناک سیدابراهیم نبوی یک بار دیگر یادآور می‌شود که سیاست‌های اقتصای و محدودیت‌های ساختگی بر سر استیفای حقوق ابتدایی ملت در زمینه انتخاب محل زیست، پیامدهای ویرانگری در روابط ملت–دولت درپی دارد.»

#### باید برگردانده می‌شد

عباس عبدی، روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی، از اولین کسانی بود که به این مرگ خودخواسته واکنش نشان داد و نوشت: «او شخصیت سیاسی و ادبی مستقل خود را داشت و حرف‌هایش را صادقانه می‌زد و نان را به نرخ روز نمی‌خورد و همین موجب انزوا و علت افسردگی او در خارج شد و در نهایت راهی را انتخاب کرد که همه ما در آن تا حدی مسئول هستیم. او باید به هر قیمتی که بود، به ایران دعوت و بازگردانده می‌شد.» علی ربیعی، دستیار رئیس‌جمهور هم نوشت: «او طنزپرداز و پژوهشگر ادبیات بود. در تمام خانه‌اش، کتاب‌ها به چشم می‌خورد و هیچ نقطه‌ای از خانه‌اش خالی از کتاب نبود. با اینکه همواره ناراضی و منتقد بود، هیچ‌گاه به دام بدخواهان ایران نیفتاد و حتی آنها را از نیش قلم خود در امان نمی‌گذاشت. نبوی در این زمینه هم تنها بود. ای کاش شرایط بازگشت به وطن برای او و دیگرانی که دل در گرو ایران دارند، فراهم می‌شد.»

#### هشدار

محمد توسلی، دبیرکل نهضت آزادی نیز نوشت: «مرگ خودخواسته ابراهیم نبودی، نویسنده متعهد و نامداری که حتی در دوران غربت همواره عشق و دغدغه ایران را در سر داشت و تحت تأثیر جو قرار نگرفت، اما چون بازگشت به وطن برایش میسر نبود، او را به چنین سرنوشتی کشاند. موجب تأسف و هتشداری است برای رفق موانع و تسهیل بازگشت ایرانیان دردمند به وطن که چنین شرایطی را دارند.» محمدعلی ابطحی هم نوشت: «خبر درگذشت داور خیلی تلخ بود. ابراهیم نبوی دوست ۴۰ساله‌ام بود. چه ذهن

#### یادداشت

## دیوار کوتاه شوراها



#### افشین حبیب‌زاده

را در نظر می‌گرفت و شاید بهتر بود قبل از برگزاری انتخابات، مردم را از یک دوره کمتر یا بیشتر از چهار سال آگاه می‌کردند. در این روش یا باید دوره بعدی دوساله اعلام می‌شد یا شش‌ساله، با این تفاوت که مردم با آگاهی از طول دوره نمایندگن خود را انتخاب می‌کردند. سؤالی که در اینجا پیش می‌آید، این است که نقش مردم در قانون‌گذاری یا اصلاح قوانین مهمی همچون انتخابات کجاست؟ آیا نمایندگان مردم نباید در قانون‌گذاری قراردادهای وضع‌شده قبلی‌ی می‌ابین مردم و منتخبان را مورد توجه قرار دهند؟ به نظر می‌رسد مشروعیت مصوبات پارلمان به رعایت موارد پیش‌گفته است و در صورت نادیده‌نگاشتن توافقات مهمی چون طول دوره نمایندگی در مصوبات، مشروعیت قوانین زیر سؤال خواهد بود، مگر در شرایط خاص و پس از ارائه توضیحات منطقی و مهم‌تر از همه پذیرش از سوی اکثریت و اقیاع ایشان نه یک‌طرفه و با ذکر دلایلی که در مقدمه به آنها پرداخته شد.

از طرف دیگر طبق قانون انتخابات برخی مشاغل باید دو ماه قبل از ثبت‌نام از مسئولیت‌های خود استعفا دهند و طبق اعلام معاون سیاسی وزیر کشور ثبت‌نام در ۲۲ اسفند آغاز خواهد شد. به این ترتیب کاندیداهای مشمول این مواد قانونی باید در ۲۲ دی‌ماه از سمت‌های خود استعفا داده باشند و تصویب هر قانونی که منجر به تأخیر در برگزاری انتخابات شود، موجب تضییع حقوق این اشخاص خواهد شد؛ چراکه ایشان طبق قانون مصوب مجلس پیش‌تر اقدام به استعفا کرده‌اند و دیگر امکان بازگشت به مسئولیت پیشین را

#### خبر خوانی

## ۳۰۸ افسردگی

در تحقیقی جدید ۳۰۸ نوع ژنتیکی جدید مرتبط با افسردگی شناسایی شد. تیمی به سرپرستی پژوهشگرانی از دانشگاه ادینبرو و کالج کینگ لندن، دی‌ان‌ای و داده‌های ژنتیکی ۶۸۰ هزار نفر مبتلا به افسردگی و چهار میلیون نفر بدون افسردگی را از ۲۹ کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند تا دریابند آیا انواع ژنتیکی خاصی با یک ویژگی یا بیماری خاص (افسردگی) مرتبط هستند یا خیر. محققان ۶۹۷ نوع ژنتیکی را شناسایی کردند.

### ۳ سفیر

دونالد ترامپ، در «تروث‌سوشال» اعلام کرد که سیلوستر استالونه، مل گیبسون و جان وویت (پدر آنجلینا جولی) را به‌عنوان «فرستادگان ویژه» خود در هالی‌وود منصوب کرده است. این افراد از طرفداران او در این سال‌ها بودند و هدف از این انتصاب، احیای صنعت سینماست و قرار است آنها به‌عنوان «چشم‌ها و گوش‌های» او عمل کنند و پیشنهادهاتی برای بازگرداندن هالیوود به دوران طلایی‌اش ارائه دهند.

### ۲

### موتور

رویتزر در گزارشی به نقل از یک منبع تحقیقاتی اسلام کرد بازرسان در هر دو موتور هواپیمای «ججو ایر» که ماه گذشته در کره جنوبی سقوط کرد و ۱۷۹ سرنشین آن کشته شدند، پُر برنده و خون پیدا کرده‌اند. تنها دو خدمه در انتهای هواپما از این بدترین فاجعه هوایی در خاک کره جنوبی جان سالم به در بردند. حدود چهار دقیقه قبل از سقوط مرگبار، یکی از خلبانان از برخورد برنده خبر داد و وضعیت اضطراری اعلام کرد.

#### شبکه‌خوانی

#### حراج در آمریکا

ماجرای حراج سکه‌های قدیمی ایرانی در آمریکا ابعاد مختلفی دارد. دو نوجوان ۱۷ساله که سال گذشته ۶۰۰ سکه تاریخی را در یک حفاری غیرمجاز در استان فارس به دست آورده بودند، در تلاش برای فروش آنها با شش خریدار اشای ایرانی که دو نفر از آنها خریداران بین‌المللی بودند، ملاقات کردند و حالا بخشی از این سکه‌ها از آمریکا سر درآورده است. به گزارش تانیاک، حراج سکه فرمانروای زن ساسانی در آمریکا در حراج خصوصی سی‌ان‌جی است که قیمت پایه حراج تنها یکی از سکه‌های ساسانی قاچاق‌شده از ایران به آن کشور شش هزار دلار برابر ۶۶۲ میلیون تومان و برآورد فروش آن به قیمت ۱۰۰ هزار دلار برابر با ۷۷۰ میلیون تومان است.

سکه حراج‌شده مشهور به سکه «آذرمدیخت» دختر خسروپرویز، ۳۰۷۵ گرم وزن دارد که روی آن تصویر نیم‌تنه خسروپرویز پدر آذرمدیخت با نوشته نام آذرمدیخت به خط پهلوی در اطراف نیم‌تنه پادشاه ساسانی حک شده است. بر سر خسرو نیز تاج کبانی مزین به دو بال که در مرکزیت آن ماه و ستاره نقش شده، حکاکی شده است. پشت سکه نیز یک آتشدان ساسانی با دو نگهبان آتش با امضای ضرابخانه شاهی شیراز که سکه را در دوره ساسانی ضرب کرد حکاکی شده است. سکه آذرمدیخت به اعلام حراجی سی‌ان‌جی از سکه‌های بسیار کمیاب است. بر اساس قوانین بین‌المللی و تأکید یونسکو، اشیای تاریخی حاصل از حفاری غیرمجاز و آثار حاصل از قاچاق، حق خریدوفروش در هیچ موزه و حراجی جهان را ندارند و باید به کشور مبدأ مسترد شوند. فاطمه دوری سخنگوی وزارت میراث قلا گفته بود: «پیرو اخبار واصله درباره اعلام حراج تعدادی از سکه‌های تاریخی ایران متعلق به دوره هخامنشی و ساسانی در یک حراجی در کشور آمریکا در ماه آینده میلادی، معاونت میراث فرهنگی به محض اطلاع با بررسی موضوع، نسبت به پیگیری آن اقدام کرده است.» دوری ادامه داده بود: «با توجه به اینکه این سکه‌ها به‌صورت غیرقانونی قاچاق و حراج غیرقانونی این آثار توسط وزارت میراث فرهنگی برسی و تلاش‌های لازم برای ممانعت از حراج و سپس استرداد آنها به کشور آغاز شده است.» حال باید دید سرنوشت این سکه‌ها چه می‌شود.